یک‌شنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۱
۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴. شماره ۲۱۰۸۵
خراسان روزنامه صبح ایران

راهزنی با بلال سمی!

اختصاصی خراسان

سارقان در پوشش بلال فروشی خودرو را با بارش ربودند

سید خلیل سجادپور- اعضای باند راهزنان جاده ای در حالی با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد دستگیر شدند که ماجرای فروش بلال های سمی برای سرقت خودرو لو رفت.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، اواخر مهر گذشته راننده ای که با خودروی پیکان وانت، مواد غذایی و خشکبار شرکت های تولیدی را در مشهد و شهرهای اطراف توزیع می کرد برای کسب نان حلال دوباره پشت فرمان خودرواش نشست و از شهر جدید گلبهار به سمت مشهد به راه افتاد. او در حالی که هنوز بسته های مواد غذایی زیادی در قسمت بار خودرو برای توزیع داشت، چشم به آسفالت بزرگراه جاده آسیایی دوخته بود که ناگهان پدال ترمز را فشرد و خودرو را در کنار پل روستای ناظریه متوقف کرد.

راننده جوان با مشاهده «بلال های هوس انگیز» در کنار جاده که روی زغال ها خودنمایی می کردند، تصمیم گرفت طعم «بلال های طلایی رنگ» را بچشد.

او با خوشرویی در کنار جوان بلال فروش قرار گرفت و دقایقی بعد با ولع خاصی بلال را به دندان کشید. «علی» (راننده پیکان وانت) سپس با پرداخت هزینه بلال، دوباره پشت فرمان خودرو نشست و پایش را روی گاز گذاشت ولی هنوز مسافت زیادی را طی نکرده بود که احساس کرد سر گیجه عجیبی دارد. سعی کرد به مسیر ادامه دهد چون فاصله زیادی تا مشهد نداشت اما حس سردرد و خواب آلودگی همه وجودش را فرا گرفت. راننده جوان که دیگر نمی توانست خودرو را کنترل کند، دوباره در حاشیه جاده توقف کرد و بیهوش شد.

گزارش روزنامه خراسان حاکی است: چندین ساعت بعد و در حالی که خورشید در حال جمع کردن شاخه های طلایی خود از آسمان شهر بود، راننده جوان چشمانش را گشود و خود را در حالی که روی خاک ها افتاده بود، در بیابانی یافت.

هنوز سردرد عجیبی را احساس می کرد. همه از سه روز درمان پزشکی، سلامتی خود را بازیافت و تازه به خاطر آورد که چگونه در حاشیه بزرگراه دچار سرگیجه شده است!

امانه تنها از خودرو و بار مواد غذایی اش خبری نبود بلکه حتی تلفن همراه هم نداشت. او با کمک کارکنان بیمارستان، با پلیس ۱۱۰ و خانواده اش تماس گرفت و برای اعلام شکایت به پلیس آگاهی رفت.

با توجه به حکایت تلخ جوان راننده و با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ احمد نگهبان (رئیس پلیس مشهد) پیگیری این پرونده به گروه ورزیده ای از کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد سپرده شد.

وقتی مرد جوان ماجرای «بلال خوری» را برای سرگرد رحیم پور (رئیس دایره جرایم خشن آگاهی) بازگو کرد، بی درنگ تحلیل های کارشناسی و ردزنی دزدان خودرو به «بلال فروش قلابی» گره خورد اما بررسی های کارآگاهان که زیر نظر سرهنگ صادقی (رئیس پلیس آگاهی مشهد) وارد مرحله عملیاتی شده بود، حکایت از آن داشت که فردی با مشخصات ارائه شده از سوی شاکی در کنار بزرگراه بساط بلال فروشی ندارد. در عین حال تحقیقات کارآگاهان با استفاده از شگردهای تخصصی برای یافتن سرنخی از این ماجرا ادامه یافت تا این که مشخص شد از کارت سوخت خودرو در یکی از پمپ های بنزین اطراف بزرگراه آسیایی استفاده شده است. این گونه بود که دامنه تحقیقات به جایگاه سوخت رسید و شماره پلاک هایی از یک خودروی سواری به دست آمد که از کارت سوخت خودروی سرقتی استفاده کرده بود.

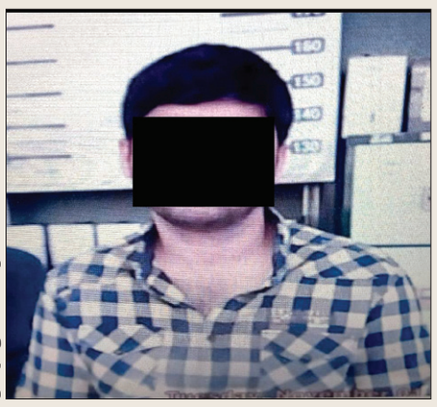

عکس ها اختصاصی خراسان

کارآگاهان با هماهنگی های قضایی و در یک عملیات ضربتی موفق شدند مالک خودروی سواری را دستگیر کنند و به پلیس آگاهی انتقال دهند. این جوان ۳۰ ساله اعتراف کرد کارت سوخت را از یکی از دوستانش در حاشیه شهر طرقبه شاندیز دریافت کرده است بنابراین ادامه عملیات کارآگاهان به باغ ویلایی در یکی از روستاهای گردشگری منطقه طرقبه کشید و دو جوان متهم به سرقت در حالی دستگیر شدند که مدارک خودرو و گوشی تلفن راننده پیکان وانت به همراه لوازم و قطعات دیگری از باغ ویلایی مذکور کشف و ضبط شد. با اعترافات دو جوان ۲۵ و ۳۱ ساله، تحقیقات پلیس ادامه یافت و محل اختفای خودروی وانت نیز لو رفت. با حضور کارآگاهان در یکی دیگر از باغ ویلاهای منطقه شاندیز، خودروی شاکی در حالی که هنوز بار آن تخلیه نشده بود، به مقر انتظامی انتقال یافت. بنابر گزارش روزنامه خراسان، سرکرده این باند سه نفره در بازجویی های تخصصی به کارآگاهان گفت: قصد داشتیم یک دستگاه خودروی باری را سرقت کنیم تا با آن سرقت های دیگر در شهر انجام بدهیم. به همین دلیل آب نمک بلال ها را به مواد بیهوشی آلوده کردیم تا این که راننده پیکان وانت از راه رسید. من هم که منتظر چنین فرصتی بودم بلال آلوده و مسموم را به او دادم، سپس با کمک همدستانم سوار بر موتورسیکلت او را تعقیب کردیم. زمانی که در کنار جاده توقف کرد و بیهوش شد من پشت فرمان نشستم و پیکر نیمه جان او را در بیابان های شاندیز رها کردیم، اما هنوز نتوانسته بودیم مواد غذایی (بار خودرو) را بفروشیم که دستگیر شدیم.

به گزارش روزنامه خراسان، بررسی های کارآگاهان با نظارت مستقیم فرمانده انتظامی مشهد برای کشف جرایم احتمالی دیگر اعضای این باند خطرناک همچنان ادامه دارد.

چوبه دار در انتظار پسری که پدرش را کشت

پسر جوانی که به اتهام قتل پدرش محاکمه شده بود، با رأی قضات دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شد. به گزارش حادثه ۲۴، رسیدگی به این پرونده از نیمه تیر سال ۹۸ با تماس تلفنی زنی میان سال به پلیس آغاز شد. وقتی مأموران بلافاصله به نشانی اعلام شده در محدوده شرق تهران اعزام شدند، دریافتند در گیری میان مردی ۷۰ ساله و پسر ۳۰ ساله اش رخ داده و در جریان این درگیری پسر جوان، پدرش را با ضربات متعدد چاقو کشته و متواری شده است. در ادامه مأموران ردیابی و بازداشت متهم را در دستور کار قرار دادند و توانستند او را دستگیر کنند. متهم پس از دستگیری به ناچار اعتراف کرد و گفت: چند سالی بود با پدرم که پیرو یک فرقه انحرافی بود اختلاف نظر داشتیم. برای این که اعتقادات او را قبول نداشتم همیشه من را تحقیر می کرد.

وی درباره روز حادثه اظهار کرد: آن روز دوباره با هم بحث مان شد و کارمان به درگیری کشید و من هم از شدت عصبانیت چند ضربه به چاقو به او زدم و از خانه بیرون رفتم. از آن جایی که مأموران به این نتیجه رسیدند که متهم در اظهاراتش ضد و نقیض گویی می کند وی را با دستور قضایی برای معاینات روانی به پزشکی قانونی معرفی کردند و کارشناسان پس از معاینات در گزارشی اعلام کردند: «متهم به اختلالات روانی مبتلاست و بررسی پزشکان نشان می دهد او در حین ارتکاب جرم مسئول اعمال خود نبوده است.» پس از اعلام این گزارش، اولیای دم به آن اعتراض کردند و متهم برای انجام آزمایش های دقیق تر به کمیسیون پنج نفره پزشکی قانونی معرفی شد و اعضای این کمیسیون پس از بررسی های لازم اعلام کردند: «متهم به بیماری روانی مبتلاست و برای مداوا باید در بیمارستان روانی بستری و درمان شود.» به این ترتیب متهم تحت درمان قرار گرفت و پس از بهبودی نسبی از بیمارستان مرخص شد و پرونده تکمیل و برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه وکیل اولیای دم از طرف دو دختر مقتول به جایگاه رفت و گفت: موکلان من درخواست قصاص برادرشان را دارند و حاضر به مصالحه نیستند. بعد از آن مادر متهم به جایگاه رفت و با اشاره به این که همسرش رفتار مناسبی با پسرش نداشته، اظهارات پسرش را تأیید کرد. در ادامه متهم نیز ضمن ابراز پشیمانی گفت: من قصد کشتن پدرم را نداشتم و روز حادثه حالم خوب نبود.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک های موجود در پرونده وی را به اتهام قتل پدرش به قصاص محکوم کردند.

سقوط ناگهانی ۲ مرد و یک زن اصفهانی از کوه صفه

سقوط دو مرد و یک زن از مسیرهای خطرناک و پرتگاهی کوه صفه روز گذشته گزارش شد که در این حوادث دو نفر جان باختند.

به گزارش ایسنا، فرهاد کاوه آهنگران، سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان با اعلام این خبر، گفت: ساعت ۶ و ۱۵ روز جمعه (۲۷ آبان ماه) پیرو تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵ آتش نشانی، سقوط دو مرد حدود ۳۰ ساله از مسیرهای خطرناک و پرتگاهی کوه صفه گزارش شد. بلافاصله سه اکیپ تخصصی نجات در کوهستان از ایستگاه شماره ۱۲ و ۳ سازمان آتش نشانی به محل حادثه اعزام شدند که متاسفانه اشخاص به علت شدت ضربه سقوط در دم جان باخته بودند.

وی افزود: پیکر بی جان این دو شخص با رعایت کلیه اصول ایمنی، استفاده از برانکارد و ایجاد کارگاه های عملیاتی کار با طناب از ارتفاع به پایین منتقل و تحویل عوامل انتظامی شد و پایان عملیات نیز در ساعت ۱۱ اعلام شد.

سخنگوی سازمان آتش نشانی اصفهان گفت: همچنین در ساعت ۸ و ۴۵ دقیقه روز جمعه پیرو تماس دیگری با سامانه ۱۲۵ آتش نشانی، سقوط ۳ متری خانمی حدود ۴۰ ساله در قسمت زیرین قله کوه صفه اعلام شد. بلافاصله چهار مین اکیپ تخصصی نجات در کوهستان از ایستگاه ۱۲ و ۱۳ به علت مشغول بودن سه اکیپ تخصصی در حادثه سقوط دیگر در قسمتی دیگر از کوه صفه به محل حادثه اعزام شدند.

وی با اشاره به این که این زن از ناحیه لگن به شدت آسیب دیده بود، گفت: با رعایت کلیه اصول ایمنی و با استفاده از برانکار حمل از ارتفاع به محل امن انجام و تحویل نیروهای امدادگر اورژانس شد. همچنین پایان این عملیات در ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه اعلام شد.

کاوه آهنگران در خاتمه به شهروندان توصیه کرد هرگز بدون آشنایی به فنون کوهنوردی و تجهیزات مناسب از مسیرهای فرعی و ناایمن به صعود از کوه اقدام نکنند.

دستگیری اعضای باند سرقت مسلحانه طلا و جواهرات روستاییان

توکلی- باند زورگیران و سارقان جواهرات روستاییان در عملیات ضربتی پلیس نرماشیر در شرق کرمان به دام افتاد.

به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی شهرستان نرماشیر گفت: در پی اعلام سرقت منزل در روستای محمدآباد و حضور فوری گروه گشت پاسگاه پشترود در محل مشخص شد سه نفر با سر و صورت پوشیده با ورود به منزل یکی از اهالی و ضرب و جرح این فرد طلاهای همسر صاحبخانه را سرقت کرده اند.

سرهنگ زیدآبادی افزود: بلافاصله پس از بررسی صحنه و با توجه به اهمیت موضوع در ابتدا طرح مهار در شهرستان اجرا و در ادامه با حضور نیروهای پلیس آگاهی در صحنه و تحقیقات پلیسی و اقدامات اطلاعاتی بعدی هویت و مخفیگاه سارقان در یکی از نقاط شهر بم شناسایی شد.

وی تصریح کرد: ماموران با حضور در این محل سارقان زورگیر مرتبط با این سرقت را دستگیر و این افراد به عمل مجرمانه خود اعتراف کردند که ضمن بازسازی صحنه، تلاش و بازجویی های بعدی برای کشف دیگر سرقت های طلاهای ساکنان این شهرستان و شهرستان های هم جوار در دست انجام است.

آگهی مناقصه

شرکت سیمان قائن (سهامی عام) در نظر دارد نسبت به مناقصه عمومی خرید ۳ نوع ورق هاردوکس (سوئدی) به شرح ذیل اقدام نماید.

* تجدید مناقصه شماره ۱۴۰۱/۹
* موضوع مناقصه: خرید ۳ نوع ورق هاردوکس (سوئدی) به شرح ذیل.
* اسناد شرکت در مناقصه: اسناد مناقصه بایستی در ۳ پاکت جداگانه (الف) چک ضمانت صیادی، (ب) پیشنهاد فنی، (ج) پیشنهاد قیمت تهیه وارسال گردد.
* مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: چک ضمانت صیادی به مبلغ ۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال در وجه شرکت سیمان قائن.
* مهلت تحویل اسناد: حداکثر تا ساعت ۱۵ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱.۰۹.۰۶
* محل تحویل اسناد: خراسان جنوبی، قاین، کیلومتر ۱۰ جاده قاین- بیرجند، کدپستی ۹۷۶۱۱-۵۱۱۱۱ کارخانه سیمان قائن، واحد حراست.
* هزینه درج آگهی وسایر کسورات قانونی بر عهده برنده مناقصه می باشد.
* شرکت سیمان قائن در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.
* به پیشنهادات ناقص، نامشخص، مخدوش وفاقد تضمین شرکت در مناقصه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

سایز ورق	نوع ورق	متراژ	وزن
ورق هاردوکس ۳۰	شماره ۵۰۰	یک ورق ۲*۶ متر	۲۸۳۰ کیلوگرم
ورق هاردوکس ۱۵	شماره ۵۰۰	یک ورق ۲*۶ متر	۱۴۱۵ کیلوگرم
ورق هاردوکس ۸	شماره ۵۰۰	یک ورق ۲*۶ متر	۷۵۰ کیلوگرم

شرکت سیمان قائن (سهامی عام)
۱۴۰۱۹۵۴۴۱/

شرکت شیر پاستوریزه پگاه خراسان (سهامی عام) در نظر دارد نیروی انسانی مورد نیاز خود را از بین آقایان حائز شرایط جدول ذیل از طریق برگزاری آزمون و مصاحبه تخصصی بصورت قراردادی جهت واحد حقوقی این شرکت با حقوق و مزایای مکفی جذب نماید.

لذا متقاضیان می توانند طی مدت ۵ روز کاری از تاریخ درج این آگهی، رزومه و مدارک خود را بصورت حضوری به آدرس کیلومتر ۱۳ جاده مشهد قوچان- کارخانه شیر پاستوریزه پگاه خراسان- واحد اداری و یا به آدرس الکترونیک Dabirkhaneh.khr@gmail.com ارسال نمایند.

شرایط عمومی	- تابعیت جمهوری اسلامی ایران - داشتن کارت پایان خدمت و یا معافیت غیرپزشکی (جهت آقایان) - عدم داشتن هرگونه سوء پیشینه. - فارغ التحصیل از دانشگاه های معتبر داخلی (حداقل معدل قابل پذیرش برای دانشگاه های دولتی ۱۳ و برای سایر ۱۴ می باشد.) - حداقل ۲ سال سابقه کار مفید و مرتبط در زمینه تنظیم لوایح و دادخواست، امور قراردادها و آشنایی با امور مناقصه و مزایده در شرکتها. - حداکثر سن ۳۵ سال.			
شرایط خصوصی	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	تعداد	محل فعالیت
	کارشناسی / کارشناسی ارشد	حقوق	یک نفر	واحد حقوقی

۱۴۰۱۹۵۴۴۳/

در امتداد تاریکی

اشک های یک اعدامی!

سرخی چشمانش نمایان بود و با دلهره عجیبی به اطرافیانش می نگریست چشم به این سو و آن سو می دواند تا اولیای دم را ببیند اما آن ها در گوشه اتاق دیگر مشغول گفت وگو با قاضی مهری (قاضی شعبه دهم اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد) بودند. مقام قضایی که برای نظارت بر اجرای حکم قصاص در زندان مرکزی مشهد حضور داشت تا آخرین لحظه درباره «لذت گذشت» سخن می گفت و به آیات و احادیث اشاره می کرد اما واگویه های زن جوان از «یتیم شدن» دختر خردسالش تکان دهنده بود. او می گفت: این مرد قداره بند با بی رحمی و تنها به دلیل قدرت نمایی با چاقو شوهرم را مقابل چشمان من و دختر کوچکم به قتل رساند چگونه می شود از گناه چنین انسان سنگدلی گذشت کرد و...

با شنیدن این سخنان نگاهم بر چهره «قاتل جوان» خیره شد. برای لحظاتی چشمانم را بستم و دفتر خاطرات ذهنم را به آخرین روزهای تابستان سال ۹۵ ورق زدم. آری او «محسن-چ» بود همان قاتل چاقوکشی که به علت «نگاه چپ!» جنایت وحشتناکی را در خیابان دریای دوم مشهد رقم زد.

صحنه بازسازی قتل را به خاطر آوردم. آن روز قاتل ۳۰ ساله مقابل قاضی احمدی نژاد (قاضی ویژه قتل عمد در زمان وقوع حادثه) و کارآگاه نجفی (افسر پرونده) به تشریح ماجرا پرداخت و گفت: همه چیز به خاطر یک نگاه رخ داد من و دوستم جلیل سوار بر موتورسیکلت مقابل میوه فروشی ایستادیم، جوان میوه فروش در حالی که کنار همسر و دختر دو ساله اش مشغول کار بود رو به من کرد و گفت: «چیه! چرا این طوری نگاه می کنی؟ به او گفتم برو پی کارت! در حال مشاجره لفظی بودیم که برادر جوان میوه فروش به همراه دوستش از راه رسید و با میله آهنی به موتورسیکلتم کوبید من هم چاقو را بیرون کشیدم و قفسه سینه مرد میوه فروش را شکافتم...

حالا دیگر به سرخی چشمان قاتلی می نگریستم که بعد از حدود شش سال پای چوبه دار قرار داشت. روزی او را نماد قدرت نمایی با چاقو می شناختند و اکنون همین قدرت نمایی ها روزگارش را به تباهی کشانده بود. ملتمسانه و آرام اشک می ریخت. گویی یک بار از پای چوبه دار به بند زندان بازگشته و اکنون که نتوانسته بود به تعهدات خود عمل کند برای بار دیگر کنار دار مجازات می رفت. او بی رحمانه و تنها برای قدرت نمایی، کودکی را یتیم کرده بود! طولی نکشید که با ورود ماموران بدرقه به اتاق شیشه ای وحشت سراپای قاتل را فرا گرفت. او مدام فریاد می زد پس چه شد؟ کجا رفتند؟ یکی از افسران گفت: خدا را چه دیدی شاید پای چوبه دار رضایت دادند! اگر چه سعی می کرد تا آخرین لحظه امیدش را از دست ندهد اما ترس از مرگ پاهایش را به لرزه انداخته بود! فریاد می زد اشتباه کردم! حتی اگر برای لحظه ای به چنین روزی می اندیشیدم غلط می کردم حتی به چاقو نگاه کنم! ولی دیگر برای پشیمانی دیر شده بود او باید از «قدرت نمایی هایش» عبرت می گرفت اما... لحظات به تندی سپری می شد «پلنگ سیاه» (محکوم به اعدام برای قتل های سریالی) و «محسن-چ» (قاتل مرد میوه فروش) پای چوبه دار قرار گرفتند. حلقه طناب بر گردن هر دو محکوم گره خورد اما قاتل ۳۶ ساله همچنان التماس می کرد. همه چیز را تیره و تار می دید گویی باید آخرین نفس هایش را عمیق تر بکشد! وحشت و دلهره در چهره اش موج می زد. یکی از اولیای دم گفت: سلام ما را هم به «علی» (مقتول) برسان! با این جمله دیگر امیدش را از دست داد. فریاد زد: غلط کردم جبران می کنم!

دیگر زبانش یارای التماس هم نداشت که یکی از اولیای دم رو به مقام قضایی کرد و گفت: اگر چندین میلیارد برای آینده دختر کوچک پرداخت کند از قصاص او می گذرم! این گونه بود که قاتل با کلماتی بریده بریده گفت: مهلت بیشتری بدهید! اما ولی دم گفت: فقط یک ماه! و از اتاق بیرون رفت! طناب دار از گردن او باز شد در حالی که اشک صورتش را پوشانده بود با قدم های بلند از اتاق اعدام بیرون زد حتی نمی توانست به محکوم دیگری نگاه کند که در کنار او به دار مجازات آویخته شد. بدین ترتیب جوانی که به دلیل «نگاه چپ» دست به جنایت زده بود به امید تهیه مبلغ میلیاردی که روزی در مخیله اش هم نمی گنجید به طور موقت روانه بند زندان شد و...

ماجرای واقعی در پیگیری یک پرونده جنایی

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com